

● امام، هنر و سینما

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

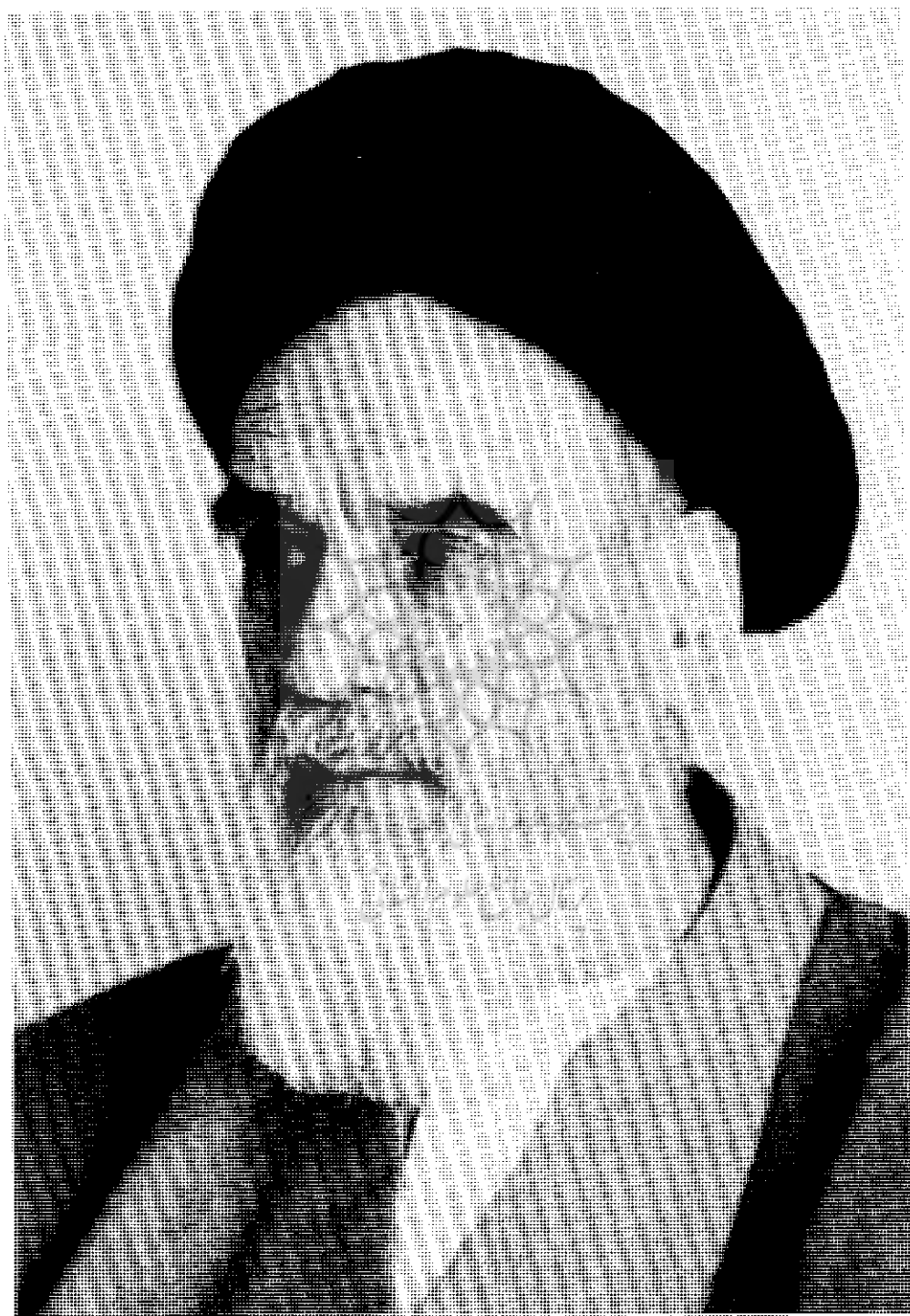
فرهنگ و حیات دینی در جامعه است. و تلاشی که در کشور ما خصوصاً در این صد ساله صورت می گرفت در جهت اضمحلال فرهنگ دینی و جایگزینی آن با فرهنگ بی دینی یا لائیک بود.

نقشی که حضرت امام (قدس سره) در برپا کردن طوفان انقلاب اسلامی داشتند علاوه بر تمامی تأثیراتی که در شئون مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی داشت آثار بسیار زیادی هم در حوزه هنر به جای گذارد. خاصه اینکه ایشان هنرمندان ما را با مفاهیم عمیق و حیات تازه‌ای در عرصه دین آشنا کردند که به این لحاظ از ایشان به غیر از سایر نقشهایی که در عرصه‌های دیگر داشتند، به عنوان احیاء کننده هنر دینی نیز می توانیم یاد کنیم.

شاید تأثیر حرکت انقلاب اسلامی و نقش امام (قدس سره) در عرصه هنر در وهله اول علامت سشوالی بود که در مقابل بسیاری از

درباره نقش امام در عرصه هنر کمتر سخن گفته شده است و این در حالی است که نقش ایشان از مهمترین عوامل موثر در تحول هنر سده اخیر می باشد. این سخن شاید در ابتدا گزافه در نظر آید ولی اگر نظری به سیر هنر در تاریخ کشور خودمان، خاصه در چند صد ساله اخیر بیفکنیم، به وضوح این معنا را در می یابیم.

از اواخر دوره صفویه هنر به مفهوم دینی عملاً روبره افول گذاشت و از دوران مشروطیت به بعد در کشور ما تقریباً هنر دینی دیگر جایگاه خیلی چشمگیری نداشت به طوری که هنرمندان ما دیگر با هویت دینی هنر، آشنایی نزدیکی نداشتند و دیگر هنر دینی در دوره معاصر حضور و ظهور نداشت. گرچه شاید بحثهایی در حوزه‌های بحث نظری در زمینه هنر دینی وجود داشت. اگر به نسبت هنر و تفکر دینی توجه کنیم به خوبی در می یابیم که هنر دینی مستلزم وجود تفکر،



بدیهیاتی که برای هنرمندان مادر طی مسالیاں تماس با فرهنگ کفر و بی دینی به وجود آمده بود گذاشته شد، به طوری که آن بدیهیات دیگر استحکام قبلی خود را از دست داده، از بدیهی بودن خارج شدند و این حرکت تا آنجا ادامه یافت که رفته رفته حجابها کنار رفته، هنرمندان ما با مفاهیم و معانی جدیدی برای واژه‌هایی که هر روز با آن سروکار داشتند، مواجه شدند. مثلاً هنرمندان ما با مفهوم خاصی از زیبایی آشنا بودند ولی این بار با مفهوم جدیدی از زیبایی مواجه شدند که با حقیقت قرابت و نزدیکی داشت. تا آن زمان هنرمندان ما به نوعی تحت تاثیر هنر غیردینی قرار داشتند یعنی هنری که قرار نیست نسبتی با حقیقت داشته باشد و در واقع از آثار اوهام بشری است، در حالی که هنردینی لازمه اش نسبت داشتن با حقیقت است و این چیزی بود که تا آن وقت چندان در آن تأمل نمی شد. از آنجا که مظهر حقیقت و معانی والای دینی «انسان کامل» است و اوست که مظهر اسماء حسناى الهی است، لذا هنردینی که با حقیقت نسبت دارد ناظر به انسان کامل نیز هست و هنرمند دینی برای اینکه با حقیقت نسبتی بیابد لاجرم با انسان کامل نیز آشنا می شود. به این ترتیب هنرمندان ما که در این مواجهه جدید قرار می گرفتند، در جستجوی گم شده خود بسیاری از معانی و مفاهیم را در وجود حضرت امام (قدس سره) که جلوه‌ای از انسان کامل در این عصر بودند مشاهده کردند و به این ترتیب بعد از سالها و شاید قرن‌ها به عین‌ها با مراتبی از حقیقت معانی شجاعت، استقامت، تقوی، ایمان، ولایت و... حتی عاشورا و شهادت و... بسیاری دیگر از معانی بلند دینی که در طی

سالیاں استحاله هنر دینی کیفیت کاملاً عقلی و مجردی پیدا کرده بود، آشنا شدند. هنرمندان ما به مرور با ازدیاد توجه و تأمل و بانظر به افعال و گفتار و سلوک و زندگی و کلاً وجود حضرت امام (قدس سره) بسیاری از حقایق را آشکارا می دیدند و به آن افقهایی که تفکر دینی طرح می کند هدایت می شدند و بدین ترتیب شالوده هنردینی پی ریزی می شد. از این نظر و به صورت خیلی خلاصه می توان گفت که حضرت امام (قدس سره) چه خودشان و چه حرکت توفنده‌ای که به عنوان انقلاب اسلامی برپا کردند همه دلیل روشنی است بر اینکه به عنوان احیا کننده هنر دینی در قرن اخیر مطرح هستند. هنر دینی که طی قرون اخیر رو به افول بوده و در قرن اخیر تقریباً دیگر هیچ هنرمندی امیدی به احیاء دوباره این هنر نداشت.

البته وقتی سخن از احیاء و تحول در هنر گفته می شود به معنی ظهور دفعی و ناگهانی آن نیست و روشن است که این تحول و حرکت عظیم در هنرها به زودی آشکار نمی شود، این اتفاق به تدریج و در طی زمانی دراز ظاهر خواهد شد. لذا سالها طول خواهد کشید تا ما میوه این حرکت را بچینیم و البته از لوازم ظهور آن، تلاش و تجربه فراوانی است که باید با الهام از ایشان انجام دهیم.

ما در این دهه مسیر خیلی سخت و طولانی را در عرصه هنرهای مختلف طی کرده ایم که شاید اولین قدمش دور شدن از آن هویت و مفهومی از هنر بوده است که قبل از این تحول با آن مانوس بودیم، هنری که به عنوان هنر وهمی، هنر بی خدا و هنر دور از حقیقت می توان از آن یاد کرد. هنرمندان ما باید این فاصله را طی

که ایشان نقش سینما را فوق العاده مهم می دانستند و به دلیل همین عنایتی که به سینما داشتند از آن اختصاصاً نام می بردند و این موجب افتخار سینماگران کشور است که ایشان در میان این همه رشته های هنری، بیش از همه از سینما نام می بردند و حتی در این راستا به يك اثر سینمایی نیز اشاره کردند.

با توجه به مطالب فوق و با توجه به عنایتی که حضرت امام (قدس سره) به سینما داشتند مسئولان سینمای کشور سعی داشته و دارند که هم از نظر نزدیک شدن به آن مفاهیمی که از نظر فرهنگی - سیاسی - اجتماعی جامعه ما با آن دست به گریبان است و هم از نظر فرهنگی - هنری برای ایجاد تحولاتی که در مبانی زیبایی شناختی سینما باید صورت بگیرد، زمینه سازیهایی فوق العاده زیادی کنند و در این مسیر تجربیات فوق العاده خوبی هم صورت گرفته است که البته اینها فقط حاصل تلاش هنرمندان ما نیست، بلکه این تجربیات و تلاشها همچون جوانه هایی هستند که بر بستر زمینه ای رویده اند که این بستر و زمینه را جز انقلاب اسلامی و هدایت خاص حضرت ایشان، به وجود نیاورده است.

لذا به منظور پاسداری از این حرکت و تحول، می کوشیم که مستمراً فعالیتهای خود را با رهنمودهای حضرت ایشان تعالی بخشیم و به توصیه ایشان آن را «به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی» مورد نظر قرار داده، معطر کننده «مشام جان زیبا پسند طالبان جمال حق» و «صیقل دهنده اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام»

می کردند و در مقابل بدیهیاتی که به علت کثرت تکرار و موج وسیع و همه گیر فرهنگ بی دینی به وجود آمده بود، مردم می شدند و نسبت به آن چیزی که وجود داشت تأمل می کردند و پرده ها را کنار می زدند تا اینکه راه کشف حقیقت برایشان گشوده شود.

حضرت امام (قدس سره) با عنایت خاصی که نسبت به حرکت و فعالیت هنری چه در آن حوزه ای که تحت عنوان فعالیتهای تبلیغاتی - هنری یا فعالیتهای رسانه ای - هنری از آن می توان نام برد؛ و چه در حوزه ای که به عنوان هنر ناب و خالص قابل توجه و تأمل است داشتند - اشعار منتشره ایشان مؤید این نظر است - به هنرمندان ما خیلی کمک کردند تا این پرده ها برداشته شود و هنرمندان ما در رسیدن به نقطه ای که اکنون در آن قرار داریم بسیار مدیون ایشان هستند.

با توجه به مطالب فوق و در این راستا به سینما نیز می توان نگریست. سینما به عنوان يك رسانه چیزی بود که حضرت امام (قدس سره) به قدرت و نفوذش اهمیت بسیار زیادی می دادند. اگر به سینما - در صورتی که همان مسیری را که قبل از انقلاب طی می کرد - و به تاسیخ آن بنگریم، آن را بسیار دور شونده از حقیقت می یابیم و به این دلیل طبیعی بود که شاهد ایستادگی حضرت امام (قدس سره) در برابر چنین سینمایی باشیم. به طوری که ایشان از همان ابتدا و در اولین سخنرانی خود در بهشت زهرا، آن را مورد اشاره و خطاب قرار دادند و بعدها هم در فرصتهای مختلف به معنی و تعریفی که برای سینمای مذموم و سینمای ممدوح داشتند اشاره کردند. اینها همه نشانگر این است

نماییم و در سایه انتساب با حقیقت این بار و
امانت سنگین را با استعانت و مدد از حضرت
حق و طلب همت از روح پرفتوح عبد صالح او
- روح الله - به مقصد برسانیم . (انشاء الله)

